

تصویر‌هاری در هنر اسلامی با تکیه بر آثار فلزی و سفال (قرون پنجم تا هشتم ه. ق)

ملیحه کشتگر

دکتر علیرضا طاهری

چکیده: نفوذ اسلام در بسیاری از سرزمین‌های جهان باعث شکل‌گیری و گسترش هنر اسلامی گردید که در این هنر، گاه بسیاری از نقوش و سنت‌های گذشته به همان شکل به کار گرفته شد و بعضی از این نقوش نیز دستخوش تغییراتی چه در شکل ظاهری و چه در معنای آن شد. از جمله نقوشی که از ابتدا همواره مورد علاقه و توجه قرار گرفته بود و در دوران اسلامی نیز به کار برده می‌شد، نقوش موجودات ترکیبی هستند که یکی از فراوان‌ترین آنها در دوران اسلامی مربوط به نقش «انسان پرنده» یا هاری می‌باشد. هاری تلفیقی از سر انسان (اغلب سر زن) با تنه پرنده است. هاری در هنر دوره اسلامی قرون پنجم تا هشتم هجری قمری دارای چه مفاهیمی است؟ بر اساس پژوهش انجام شده گسترش عرفان اسلامی و علم نجوم از جمله عوامل موثر در پیدایش این نماد بوده است. هاری در دوران اسلامی موجودی نیک و خوش‌یمن و موضوعی رایج و مقبول بود و باعث شد تا بر روی بسیاری از ظروف سفالی و فلزی نقش بندد. این تحقیق از نوع نظری بوده و به روش تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است.

واژگای کلیدی: هاری، سفالگری، فلزکاری، دوران اسلامی، عرفان، نجوم

◆ مقدمه

پرواز به عرش الهی و جایگاه اصلی خود را دارد. در نظر گرفت. گاهی اوقات مفاهیم مرتبط با فرشتگان و پندگانی چون سیمرغ و هدهد که از نظر عرفانی جایگاه والایی دارند برای درک بهتر، به این صورت نشان داده می‌شدند از طرفی دیگر در جامعه آن دوران اعتقاد فراوان به طالع بینی و نقش ستارگان در سرنوشت انسان وجود داشت و پیشرفت‌هایی در علم نجوم به همت دانشمندانی چون ابوریحان بیرونی، خیام، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی انجام گرفت و بعضی از صور فلکی به صورت موجودات ترکیبی که در بین آن‌ها هاری نیز دیده می‌شود ترسیم می‌شدند.

◆ هاری در عرفان اسلامی

هاری از جمله نقوشی است که به نظر می‌رسد تحت تأثیر مفاهیم عرفان اسلامی و جایگاه ویژه‌ای که عرفا و شاعران برای پندگان در نظر می‌گرفتند و به صورت نمادین برای بیان این مفاهیم به کار می‌پردند به ظهور رسید. این تصاویر در قرون پنجم تا هشتم هجری قمری، همزمان با دوره‌های سلجوقی، خوارزمشاهی و ایلخانی به وفور بر روی آثار هنری ظاهر شدند و در بین کشورهای اسلامی آن روزگار در ایران

هاری^۱ تلفیقی از سر انسان (اغلب سر زن) با تنه پرنده می‌باشد. بنابراین می‌توان آنها را جزء گروه ترکیبیات «انسان حیوان» به شمار آورد. این موجودات در هنر تمدن‌های کهن وجود داشته‌اند و در دوره اسلامی از سده پنجم ه. ق. تصاویر آن‌ها به تدریج بر روی سفالینه‌ها و در سده ششم و هفتم ه. ق. بر روی ظروف فلزی ظاهر شدند. از نظر پرفسور پوپ هاری‌ها به محض آن که فناوری مناسب بازنمایی آنها به دست آمد، به طور چشمگیری بر روی سفالینه‌ها اجرا شدند. (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۷۰۵)

نظریه‌های رایج نمادهای ستاره‌شناسی دوره اسلامی، تصاویر کهن ایرانی و عمدتاً تصاویر سلطنتی و اقتباس از تم‌های فولکلور و اساطیر ایرانی و آسیای مرکزی را موثر می‌دانند. (خلیلی، ۱۳۸۴، ۴۶) باتوجه به اینکه این نقش بر روی سفالینه‌ها و ظروف فلزی به وفور خودنمایی می‌کنند و از نقوش مهم هنر دوره اسلامی به شمار می‌آیند.

از مهم‌ترین زمینه‌های پیدایش هاری (انسان پرنده) می‌توان گرایش به عرفان و تصوف در این دوران دانست و بیان این دیدگاه که روح در قفس تن اسیر است و قصد

*نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پژوهش هنر. m_keshtgar@yahoo.com
*دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان. taheri121@yahoo.com

۱۳۷۸، ۵۷) در رساله الطیرها، نفوس مستعد به صورت پرنده‌گانی ظاهر می‌شوند که با پرواز خود، موانع سفر را یکی پس از دیگری طی می‌کنند تا به اصل و پادشاه خویش بپیوندند. (پورنامداریان، ۱۳۶۴، ۳۴۹) بنابراین، مهمترین معنای نمادین پرنده روح یا جان است و پرواز پرنده به صورت ضمنی مفهوم آزاد شدن روح از اسارت جسم و دنیای خاکی را برای او تداعی می‌کند و در تأویل نهایی خود نمادی از سرگذشت روح در قفس تن و دنیای مادی را بازگو می‌کند.

از دیر باز انسان به شناخت آسمان و ستارگان و چگونگی گردش آنان و تأثیر آن در سرنوشت خود علاقه‌مند بوده است و می‌توان گفت که علم نجوم تقریباً در تمام نقاط جهان سابقه‌ای طولانی دارد. از دلایل توجه و پیشرفت علم نجوم در این دوره می‌توان به حضور شخصیت‌های علمی برجسته، حمایت حاکمان، علاقه مردم به طالع بینی و تأثیر آن در زندگی و سرنوشت خود اشاره کرد که این عوامل باعث شد تا هرچه بیشتر این صور مورد استقبال تمام اقشار جامعه قرار بگیرند و بیشتر بر روی آثار مختلف فلزی شامل: قلمدان، شمعدان، سینی، آبریز، دوات دان، کاسه و ... به وفور یافت شوند. تصاویر نجومی که بر روی آثار هنری یافت می‌شوند، بسیار متنوع‌اند و شامل نقوش گیاهی، انسانی، حیوانی و ترکیبی می‌باشند نقوش ترکیبی خود به دو دسته "انسان- حیوان" و "حیوان- حیوان" تقسیم می‌شوند و هارپی از نوع ترکیبات انسان- حیوان می‌باشد که همراه سایر علائم منطقه البروج^۲ بر روی وسایل و ظروف فلزی دیده می‌شود

تصویر هارپی بر زمینه‌های مختلف و در کنار سایر عناصر تزئینی و تمثیلی بر روی ظروف سفالی و فلزی در هنر دوره اسلامی (قرون پنجم تا هشتم هجری قمری) نقش بسته است: به همراه درخت زندگی، بر زمینه گیاهی، به عنوان نقش مرکزی ظرف، به همراه نقوش انسانی و نقوش نجومی

◆ درخت زندگی

عقاید مرتبط با درخت زندگی یا مقدس در مذهب و آیین های بسیاری از تمدن‌های کهن وجود داشته است و در طول تاریخ با ظهور فرهنگ و سنت‌های جدید اهمیت خود را از دست نداده و همچنان در باورهای مردم اهمیت خود را حفظ کرده است. این درخت معمولاً در تصاویر و نقوش میان دو راهب یا دو کاهن و یا دو جانور قرار دارد که نگرهبانش به شمار می‌روند برای چیدن میوه‌ها که از آن اکسیر ملکوتی طول عمر به دست می‌آید، باید با نگرهبانش

بیشتر یافت شده است و سپس به کشورهای دیگر از جمله ترکیه، سوریه، مصر و ... راه پیدا کرده است. در عرفان اسلامی برای نخستین بار، این عرفای ایرانی بودند که پیشینه نمادسازی از پرنده و پرواز و آواز او را بنیان نهادند که فضل تقدم در این میان با رساله الطیر ابن سینا به زبان عربی است. این اثر رساله‌ای عرفانی است که به شیوه‌ای تمثیلی و نمادین به جریان هیبوط آدمی از بهشت و سپس تلاش روح برای بازگشت به مبدأ اصلی آن در قالب سفر گروهی از پرنده‌گان باز می‌گردد (انصاری، ۱۳۸۶، ۴۴) و سپس عارفان و اندیشمندان بزرگی چون سهروردی (۵۸۷ - ۵۴۹ ه.ق)، عطار (۶۱۸ - ۵۸۷ ه.ق)، مولوی (۶۷۲ - ۶۰۴ ه.ق)، حافظ (۷۹۲ - ۷۲۷ ه.ق) و ... بیش از همه در گسترش این مفاهیم سهم داشته‌اند. از آن جا که هنر و ادبیات رابطه‌ای دیرینه و ناگسستنی با یکدیگر دارند، بازتاب این مفاهیم عرفانی را می‌توان در قالب آثار هنری قرون ۸- ۵ ه.ق به خصوص بر روی سفالینه‌های دوره سلجوقی مشاهده نمود.

در عرفان اسلامی یکی از مهمترین معانی نمادین پرنده، روح یا جان است بدین معنا که روح به صورت ذات بالدار تصور شده که به سوی عالم افلاک که موطن اصلی اوست، پرواز می‌کند. حسین نصر معتقد است تمام آن کسانی که در این جهان سایه‌های فانی و زودگذر را خانه خود نمی‌دانند و آرزوی آن دارند که ریشه‌های خود را در مأوای آسمانی بیابند به خانواده پرنده‌گان تعلق دارند، چون روح آنان بال دارد و چه اهمیت دارد که در پرواز به سوی حصول به قرب الهی تا چه حد بی‌تجربه‌اند. (نصر، ۱۳۷۵، ۹۹) شایگان در کتاب خود از هانری کربن نقل می‌کند که پرنده همزاد آسمانی وجود به غربت افتاده ما است. شخصیتی ماورایی است که راهبرمان می‌شود. ما را در پناه خود می‌گیرد و به ما الهام می‌دهد. مثال او در حکم " اندام بینش ما" است؛ بینش متناسب با درجه وجود. (شایگان، ۱۳۷۱، ۲۷۹) آنچه در تعبیر روح به پرنده نقش مهم دارد، بال‌ها و مفهوم پرواز پرنده‌گان است. زیرا بال قبل از هر چیز نماد پرواز است نماد سبکی و خارج شدن از جسم. پرواز پرنده حادثه‌ای است که به صورت ضمنی، مفهوم آزاد شدن روح را از اسارت جسم و دنیای خاکی نشان می‌دهد. در هیچ یک از سنت های عرفانی، بال و قدرت پرواز به آسانی به دست نمی‌آید. سالک باید در دوره‌های طولانی و پرمخاطره به ترکیه نفس بپردازد تا به معنویت و شایستگی صاحب بال شدن دست یابد. از همین نکته می‌توان دریافت که چرا فرشتگان که خود حقایق یا مظهرهای مراحل معنوی تکامل انسان هستند، بال دارند. (شوالیه،





تصویر ۱: کاسه سرامیک، دو هارپی و درخت زندگی، مصر، قرن ششم هجری قمری، (www.qantara-med.org)

درموزه هنر هاروارد کاسه سفالی لعابدار زیبایی که در اواخر قرن ششم هجری قمری در دوره سلجوقی و در کاشان ساخته شده است نگهداری می‌شود که نقش اصلی و مرکزی آن دو هارپی زن و مرد است که روبروی یکدیگر قرار گرفته‌اند. (تصویر ۲) تصویر درخت مقدس در این تصویر کمی با تصویر قبل متفاوت است؛ بدین معنی که درخت با اسلیمی‌های بسیار ظریف، در قسمت پایین ظرف و با فاصله‌ای نسبتاً زیاد از هارپی‌ها ترسیم شده و تنها نوک آن بین این دو قرار گرفته است.

زمینه این ظرف با رنگ کرم و نقوش آن با لعاب نازکی از رنگ‌های آبی، فیروزه‌ای، قهوه‌ای، مشکی و قرمز ترسیم شده‌اند. پاهای هارپی‌ها بسیار ظریف کشیده شده‌اند و به دلیل آن که بال‌های خود را گشوده‌اند و از درخت فاصله دارند، به نظر می‌رسد بر فراز آن در حال پروازند. این هارپی‌ها دارای کلاه، صورتی گرد، چشمان نسبتاً درشت و لب و بینی ظریف می‌باشند. هارپی مرد که در سمت چپ قرار گرفته است، ابروانی پیوسته و هارپی زن ابروانی کمانی دارد. کلاه هارپی زن دارای دنباله‌ای است که موهایش را پوشانده و کلاه هارپی مرد فاقد دنباله است که این خود نشان‌دهنده طرز آرایش و پوشش مو و کلاه زنان و مردان در آن دوره است.

به جهت آن که بال‌های خود را گشوده‌اند، هر دو بال شان به طور کامل دیده می‌شود. تفاوت این هارپی‌ها با نمونه قبل در این است که این دو علاوه بر دو بال اصلی، یک فرم بال‌گونه اضافه دارند که از روی کمر سر برآورده و بسیار زیبا و رنگارنگ ترسیم شده است. پره‌های این بال به صورت برگ‌های کنگر ترسیم شده و در قسمت انتهایی شان به یکدیگر گره خورده و از برخورد آن‌ها شکل گیاهی جدید با شاخ و برگ‌های پراکنده به وجود آمده است. شاید بتوان

در آویخت؛ هر که در این نبرد پیروز شود به مرتبه‌ای فوق انسانی ارتقا می‌یابد یعنی نامیرا و بی‌مرگ می‌شود. (دوبوکور، ۹، ۱۳۳۳)

در میان آثار هنری به دست آمده از دوره اسلامی، درخت زندگی که در دو طرف آن دو انسان یا حیوان و یا موجودی ترکیبی از جمله هارپی در حالت نگهبانی از درخت به نظر می‌رسد، به وفور یافت می‌شود. در ادامه به بررسی تصویر هارپی و درخت زندگی پرداخته می‌شود. کاسه‌های سرامیک مربوط به قرن ششم هجری قمری از مصر با موضوع هارپی و درخت زندگی در موزه هنرهای اسلامی قاهره موجود است. در این تصویر درخت زندگی در وسط و دو هارپی به صورت پشت به پشت در دو طرف آن با رنگی طلایی بر زمینه‌ای به رنگ کرم ترسیم شده‌اند (تصویر ۱). با توجه به حالت چهره، هارپی سمت چپ زن و سمت راست مرد می‌باشد. هر دو تاجی کنگره‌دار بر سر دارند که لبه پایینی آن با ردیفی از مروارید یا سنگ‌های قیمتی تزیین شده است و در محل اتصال سر به بدن دارای یقه‌ای گرد و ساده می‌باشند. با این که بدن‌هایشان پشت به هم قرار گرفته، سرشان با چرخشی ملایم به سمت هم برگشته و یکدیگر را نگاه می‌کنند و به حالت سه رخ ترسیم شده‌اند. چهره زن ظریف و کشیده ترسیم شده و دارای ابروانی پیوسته و چشمانی درشت‌تر از هارپی مرد است اما نوع تاج، آرایش مو، بال و پر و حتی اندازه آن دو یکسان است.

بال سمت راست هارپی‌ها به طور کامل و بال سمت چپ به مقدار کمتر قابل مشاهده است. این دو دارای دم نسبتاً بلند و شبیه به برگ‌های کنگر می‌باشند که به نظر می‌رسد پس از برخورد با هم به صورت قلب در آمده است و شاید طبق تفکر اسلامی اشاره به این موضوع دارد که زن و مرد در کنار هم و با هم به کمال خواهند رسید و از اتحاد این دو درخت زندگی هر چه بیشتر بارور می‌شود.

درخت بین این دو بسیار ساده ترسیم شده و تنه آن دارای شاخ و برگی ظریف است و در قسمت بالا به دو شاخه تقسیم شده که مانند سایه بانی بر بالای سر هارپی‌ها قرار گرفته است. این ظرف دارای ترکیب‌بندی قرینه است و زمینه آن پوشیده از نقوش گیاهی و تجریدی است و هرچه بیشتر بر غیرمادی بودن فضا دلالت دارد. شاید بتوان چنین اظهار داشت که هارپی در این ظرف، همان سیمرغ یا هویت نفس انسان کامل است که به صورت پرنده‌ای درآمده و به عالم ملکوت و جایگاه حقیقی‌اش رسیده است.

اظهار داشت که انسان در نتیجه پیروزی بر هوی و هوس دنیوی و طی مراتب سلوک، به فضایی ملکوتی و غیرمادی راه یافته است و بر فراز درختی بهشتی آرام گرفته و هارپی‌ها به عنوان مرغ طوبی یا مرغ بهشتی هستند که از آن محافظت می‌کنند.



تصویر ۳: کوزه سفالی تخم مرغی با نقش هارپی، قرن ششم هجری قمری، موزه ملی دمشق (www.discoverislamicart.org).

◆ پوشش گیاهی

یکی دیگر از صحنه‌های متداولی که تصویر هارپی را به وفور در آن می‌توان یافت، زمینه پوشیده از گل و بوته و تزیینات گیاهی است که معمولاً بر روی کاشی‌های تزیینی دیوار کاخ‌های پادشاهان به کار برده می‌شد. یکی از این کاخ‌ها متعلق به علاءالدین کیقباد (۶۳۴-۶۱۶ هجری قمری)، سلطان بزرگ سلجوقیان روم است که اقامتگاه تابستانی وی بوده و به کاخ قبادآباد معروف است. بسیاری از نقوش به کار برده شده بر روی این کاشی‌ها دارای ریشه و سنت ایرانی است شاید علت آن باشد که علاءالدین کیقباد که در آن زمان پادشاه قونیه بود، خود شاعر بوده و علاقه و توجه زیادی به اهل فضل و هنر و ادب ایران داشت و با توجه به این که در آن زمان زبان و ادب فارسی در آسیای صغیر دارای جلال و شکوه فراوان بود، محیط دستگاه سلجوقیان روم یک محیط کاملاً ایرانی بود. بر روی یکی از کاشی‌های این قصر تصویر هارپی به حالت سرخ بر روی ستاره‌های هشت پر و زمینه‌ای گیاهی قرار گرفته است (تصویر ۴). هارپی تاجی بر سر دارد که سنگی قیمتی به شکل گل به عنوان نگین، در وسط آن قرار دارد.

موها تا روی گردن کشیده شده و تقریباً بلند است و نحوه آرایش چهره به همان روش رایج دوره سلجوقی یعنی چشمانی بادامی، بینی و لب ظریف و ابروانی پیوسته می‌باشد و هاله‌ای نور دور سرش قرار گرفته است. در محل اتصال سر به تنه یقه‌ای پهن مانند گردن‌بند که تزیینات شیار مانند

گفت این درخت، همان درخت زندگی است که از اتحاد و پیوستگی این دو بارور شده و به وجود آمده است.



تصویر ۲: کاسه سفالی لعابدار با نقش هارپی، اواخر قرن ششم هجری قمری، دوره سلجوقی، کاشان، موزه هنر هاروارد. (www.harvardartmuseums.org)

تصویر بعد کوزه سفالی تخم مرغی شکل بزرگی است که در قرن ششم هجری قمری در سوریه ساخته شده و در موزه ملی دمشق نگهداری می‌شود. (تصویر ۳) این کوزه دارای شش دسته است و هنرمند با استفاده از نقوش متنوع و متراکم فضای خالی بین دسته‌ها را کاملاً پوشانده است. متأسفانه با گذشت زمان بخش زیادی از نقوش بین دسته‌ها از بین رفته و یا بخش اندکی از آن سالم مانده است. تنها نقشی که آسیب جدی ندیده و تقریباً به طور کامل باقی مانده است، قسمتی است که در آن دو هارپی در اطراف درخت زندگی نقش شده‌اند. هارپی‌ها بر روی سر دو شیر، که در پایین درخت زندگی نشسته‌اند و از آن محافظت می‌کنند و در زمینه پوشیده از نقوش گیاهی قرار گرفته‌اند. بالای سر این دو هارپی، پیکره نشسته انسانی در حال عبادت دیده می‌شود. در دو طرف سر مرد نیز سر دو شیر قرار گرفته و بالای سر شیرها یک جفت مار یا اژدها که دمشان به حالت گره خورده و پیچیده به نظر می‌رسد و دهان خود را گشوده‌اند دیده می‌شود. از آن جا که این مارها در بالای درخت زندگی قرار گرفته‌اند می‌توان برای آن‌ها مفهومی خیرخواهانه در نظر گرفت و آن‌ها را مظهر پویایی، بیداری و همه چیزهای رشدکننده بدانیم. تمام نقوش به حالت تعادل و تقارن و به زیبایی نقش شده‌اند. کتیبه‌ای به زبان عربی در حاشیه‌ای باریک زیر دسته‌ها قرار گرفته و مضمون آن چنین است: «عِزٌّ وَ اِقْبَالٌ وَ سَلَامَةٌ وَ عَظْمَةٌ وَ رَفَعَةٌ». با توجه به این عبارت پیداست که این کوزه آب برای صاحبش شکوه، سعادت، سلامت، قدرت، بزرگی و همه آرزوهای خوب را به همراه دارد و تمام نقوش به کار برده شده بر روی آن با این مفهوم هماهنگ است شاید بتوان چنین

پیوسته و برای ترسیم پره‌های پا و دم از خطوط راست استفاده کرده است. علاوه بر بال‌های اصلی خود، دارای بال سومی است که بسیار با شکوه بر روی کمر قرار گرفته و به سمت بالا کشیده شده و تزئیناتی گیاهی در لبه انتهایی آن دیده می‌شود.

شاید انتخاب رنگ آبی برای ترسیم هارپی از آن جهت است که در عرفان اسلامی، آبی رنگ خرد، کشف و شهود، بصیرت و اشراق است که در انسان حالتی ماورایی ایجاد می‌کند و نماد پاکی و معنویت، بیان‌کننده حالات درونی، ایمان و آرامش است و در حقیقت اشاره به این دارد که روح سالک از وادی عرفان می‌گذرد و در نهایت امر به پاکی و خلوص و سرزمین روحانی می‌رسد. بنابراین آبی رنگ آسمان و فراتر از خاک و سفر درونی و بی‌التهاب است و طرز ایستادن هارپی در مرکز ظرف با بال‌های بسته و نگاهی همراه با تفکر و آرامش با رنگ آبی که برای آن انتخاب شده هماهنگ است و می‌تواند اشاره به روح سالکی داشته باشد که مانند پرنده‌ای از زندان تن پرکشیده و پس از طی مراتب هفت گانه عرفان و تزکیه نفس، به پاکی رسیده و در فضایی سرشار از نور و معنویت آرام گرفته که این نور و معنویت با انتخاب رنگ طلائی که با عرفان، تقدس و الوهیت پیوند دارد توسط هنرمند برای زمینه ظرف به کار برده شده است.



تصویر: هارپی آبی بر زمینه ای طلائی کاسه سفال زرین فام، دوره سلجوقی، ایران (احتمالاً کاشان)، گالری هنر آرتور ساکلر نیویورک، (vvv.asia.si.edu)

◆ نقوش انسانی

تصویر هارپی به همراه نقوش انسانی، یکی دیگر از صحنه پردازی‌های متداول برای تزئین ظروف سفالین دوران اسلامی می‌باشد. این صحنه‌ها خود دارای موضوعات متنوعی شامل: شاه و ندیمان، سوارکاران و انسان‌های نشسته یا ایستاده در حال گفت و گو می‌باشد. کاسه‌ای مینایی متعلق به اواخر قرن ششم که در ری ساخته

دارد دیده می‌شود. هارپی بال‌های خود را گشوده و به نظر می‌رسد در حال پرواز است به همین دلیل هر دو بال و دم آن به طور کامل دیده می‌شود. این هارپی نیز دارای بال مضاعفی بر روی کمرش است که این بار با استفاده از اسلیمی ترسیم شده است.

طرز قرار گرفتن هارپی در فضایی تجربیدی به همراه تاج و هاله دور سر باعث می‌شود که بتوانیم برای آن تعبیری عرفانی قائل شویم هاله نور اطراف سر انسان، می‌تواند نمادی از آدم مثالی و کامل و نشانه جنبه قداست و سر انسان که درون این هاله قرار دارد، نمایانگر حقیقت انسانی باشد که به کمال رسیده و در فضایی ملکوتی و مقدس سیر می‌کند و شاید با توجه به این که هارپی تاجی سلطنتی دارد و کاخ به علاالدین کیقباد اختصاص داشته، اشاره به کیقباد دارد.



تصویر: هارپی، کاشی هشت پر، کاخ قباد آباد، قونیه، اوایل قرن هفتم هجری قمری، دوره سلجوقی، موزه مدرسه کاراتای، (www.qantara-med.org)

◆ نقش مرکزی ظرف

تصویر هارپی بر روی ظروف سفالی به عنوان نقش اصلی و مرکزی ظرف، یکی دیگر از صحنه‌هایی است که به وفور یافت می‌شود. برای نمونه، در گالری هنر آرتور ساکلر نیویورک، کاسه سفال زرین فامی متعلق به دوره سلجوقی که احتمالاً در قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی در کاشان ساخته شده است نگهداری می‌شود. تصویر هارپی بر روی این کاسه به حالت نیم‌رخ، با اندازه‌های بزرگ به طوری که تمام سطح ظرف را پوشانده با رنگ آبی در زمینه‌ای طلائی ترسیم شده است (تصویر ۵). هارپی در این تصویر به جای هاله نور، تاجی بر سر دارد و با توجه به این که به حالت نیم‌رخ است، پیشانی و بینی بر روی یک خط صاف قرار گرفته و لب پایینی کمی رو به بالا و چانه ظریف و تقریباً نوک تیز ترسیم شده است. برای کشیدن پره‌های جلوی سینه هارپی، از خطوط دنداندار و به هم

◆ نجوم

براساس مطالعه انجام شده بر روی آثار فلزی که با نقوش نجومی تزیین شده‌اند، به نظر می‌رسد تصویر هارپی به عنوان برج جوزا^۳ و نمادی برای سیاره عطارد^۴ به کار رفته است. جوزا یا دو پیکر یا توامان، صورتی از نیم کره شمالی در منطقه البروج و خانه^۵ عطارد می‌باشد و از این جهت به عطارد "دو جسدین" به معنی دو پیکر نیز می‌گویند. برج جوزا بر روی آثار فلزی به چهار شکل مختلف تصویر می‌شود (تصویر ۹). به صورت انسانی با دوسر که به حالت چهار زانو نشسته. دو پیکره ایستاده در حالی که بین آن‌ها عصایی که دو سر دارد قرار گرفته دو هارپی در دو طرف عصا یا چوبدستی. یک هارپی در داخل مدالیون که می‌تواند نماد عطارد یا جوزا باشد.



■ تصاویر ۹ تا: به ترتیب از سمت بالا، جوزا با دو سر، بخشی از کاسه محذب قالب گیری و حکاکی شده، قرن ۶ هـ.ق/ ۱۲ م، خراسان، موزه ایران باستان؛ برج جوزا، بخشی از آبریز برنجی، هرات، دوره سلجوقی، قرن ۶ هـ.ق، ۱۲ م، (Allen, 1982: 50)؛ جوزا به صورت دو هارپی، بخشی از کاسه برنزی، ایران، قرن ۶ هـ.ق/ ۱۲ م، موزه ویکتوریا و آلبرت. (www.collections.vam.ac.uk)؛ جوزا به صورت یک هارپی در داخل مدالیون، بخشی از دیگ برنزی، ایران، قرن ۶ هـ.ق/ ۱۲ م، موزه بریتانیا. (www.britishmuseum.nsf)

شده، در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود که با تصاویر انسانی به همراه هارپی تزیین شده است و برای رنگ‌آمیزی نقوش آن از رنگ‌های آبی، قهوه‌ای، مشکی، فیروزه‌ای، کرم و سفید استفاده شده است (تصویر ۶). در قسمت مرکز ظرف پنج پیکره انسان در یک ردیف کنار یکدیگر نشسته‌اند و بین آنها درختی ظریف قرار گرفته است. شخصی که در وسط نشسته از نظر اندازه از دیگران بزرگتر است و به نظر می‌رسد شاهزاده یا حاکم باشد. حالت نشستن و دست شخصی که در سمت چپ و نزدیک به شاهزاده نشسته، مشخص می‌نماید که در مورد موضوعی با او صحبت می‌نماید و شاهزاده و دیگر ندیمان به سخنان او گوش می‌دهند.

یک جفت هارپی در قسمت پایین و یک جفت در بالای ظرف در حالی که بال‌های خود را گشوده‌اند، در دو طرف درختی انتزاعی و ظریف که از اسلیمی ساخته شده، دیده می‌شود. دو هارپی که در قسمت پایین ظرف قرار گرفته‌اند، از نظر رنگ‌آمیزی بال و پر و یقه پهنی که دارند مانند هم ترسیم شده‌اند در حالی که دو هارپی بالای ظرف رنگشان باهم متفاوت است و هارپی سمت راست شبیه هارپی‌های پایین رنگ‌آمیزی شده است و دیگری که در سمت چپ است رنگ‌آمیزی متفاوتی دارد. با وجود این، نحوه آرایش مو، چهره و بال و پر آن‌ها یکسان است. نکته قابل توجه آن است که هارپی‌ها با کلاهی که به سر دارند و موهایشان که در دو طرف سر تا روی گردن قرار گرفته، کاملاً مطابق با پیکره‌های انسانی است و این روش آرایش رایج در جامعه آن روز را آشکار می‌کند. وجود گیاهان انتزاعی به همراه هارپی، فضایی غیر مادی را نیز به صحنه اضافه می‌کند.



■ تصویر ۶: کاسه ای مینایی با نقش شاه و ملازمان به همراه هارپی، اواخر قرن ۶ هـ.ق/ ۱۲ م، ایران، ری، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن. (www.collections.vam.ac.uk)



تصویر ۱۱: دیگ برنزی، قرن ۶ ق/ ۱۲ م، ایران، موزه بریتانیا. (www.britishmuseum.org)

نمونه دیگر دیگ یا سطل برنزی است که در قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی ایران ساخته شده و اکنون در موزه بریتانیا موجود است. بر روی این ظرف دوازده برج درون مدالیون قرار گرفته‌اند (تصویر ۱۱). در این تصویر برج جوزا به صورت یک هارپی تنها دیده می‌شود که در زمینه گیاهی و ساده درون مدالیون قرار گرفته است. انتخاب انسان-پرنده یا هارپی برای این برج می‌تواند اشاره‌ای به ارباب این سیاره یعنی عطارد داشته باشد که این بار به تنهایی به کار برده شده است.

یکی دیگر از وسایل فلزی که بسیار مورد توجه و استقبال قرار داشت و از نقوش نجومی برای تزیین آن استفاده می‌شد مرکب دان بود. تصویر ۱۲ مرکب دان برنزی است که در قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی در خراسان ساخته شده است. این مرکب دان دارای سه دسته است و دعایی با خط کوفی بر روی سرپوش و بدنه آن دیده می‌شود که مضمون آن چنین است: افتخار، رفاه، ثروت، شادی، آرامش، طول عمر و برکات. بنابراین این ظرف برای مالک خود سعادت و خوشبختی ابدی را به همراه داشته است. در قسمت انتهای این ظرف تصویری از هارپی در وسط مدالیون و دورتادور آن تصویر صورت فلکی کلب (سگ) دیده می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد عطارد سیاره ادیبان، دیوانیان و کاتبان است و با القایی چون دبیر انجم و کاتب گردون از آن یاد می‌شود. بنابراین شاید استفاده از هارپی بر روی این وسیله که برای کتابت استفاده می‌شد نشان‌دهنده ارتباط بین خصوصیت مشترک عطارد با کسانی که به این کار مشغولند باشد. از طرفی می‌توان آن را جوزا نیز در نظر گرفت، از آن جهت که صاحب طالع جوزا دوستدار دانش و علم‌های آسمانی معرفی شده است. بنابراین این احتمال وجود دارد که هنرمند با آگاهی کامل به این موضوع و وابستگی عطارد و جوزا به هم، دو ویژگی آن‌ها را با هم ترکیب کرده و آن را به صورت هارپی نشان داده است.

به‌نشان دادن برج جوزا به صورت هارپی و نمادی از سیاره عطارد، ممکن است به اساطیر و افسانه‌هایی که در تمدن های باستان (از جمله روم و یونان) در مورد این سیاره وجود داشت دلالت داشته باشد. این سیاره تندروترین سیاره خورشیدی است و آسمان را سریع‌تر از سیارات دیگر طی می‌کند و شاید به همین دلیل ایرانیان باستان آن را "تیر"، یونانیان "هرمس" (پیام رسان زئوس) و رومیان "مِرکوری" (پیک خدایان) نامیده‌اند.

با توجه به اینکه عطارد سیاره‌ای تندرو بوده، مانند پرنده‌گان بال داشته و چوبدستی یا عصایی دو سر به همراه داشته و جوزا که به عنوان برجی دوست‌دار دانش و علم‌های آسمانی معرفی شده و همچنین در بین حیوانات بر پرنده‌گان دلالت دارد و خانه عطارد است، گاهی از تصویر "انسان-پرنده" برای معرفی جوزا استفاده شده است و عصایی که در بین آن دو دیده می‌شود تأکید بیشتری به این مسئله دارد که این برج به عنوان نماد عطارد به کار برده شده است.

کاسه برنزی که در قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی در ایران احتمالاً خراسان ساخته شده در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود (تصویر ۱۰). در این کاسه هر کدام از دوازده علائم منطقه البروج درون مدالیون‌هایی همراه با نمادهایی از سیاره‌ها که ارباب یا صاحب آن برج می‌باشند به ترتیب قرار گرفته‌اند. در کنار برج ثور که به صورت گاو نری که در بالای سرش قرصی گرد به نشانه این که شرف ماه است قرار گرفته است، برج جوزا به صورت دو هارپی در دو طرف عصا یا چوبدستی که دارای صورت است دیده می‌شود. احتمالاً دلیل این که از ترکیب انسان-پرنده برای برج جوزا انتخاب شده، به ویژگی‌های ارباب یا صاحب این برج یعنی عطارد مربوط می‌شود و صورت انسانی به برج جوزا و تنه پرنده و عصا یا چوبدستی به سیاره عطارد اشاره دارد که هنرمند برای نشان دادن این که جوزا خانه عطارد است از تلفیق این دو با هم استفاده کرده است.



تصویر ۱۰: بخشی از کاسه برنزی، قرن ۶ ق/ ۱۲ م، ایران، موزه ویکتوریا و آلبرت. (www.collections.vam.ac.uk)

نمونه بعد تندیس‌سی بسیار زیبا از هارپی مربوط به اوایل قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی که کاشان ساخته شده است (تصویر ۱۴). برای تزئین چهره و بال و پر آن از رنگ های سبز، آبی و مشکی در زمینه‌ای به رنگ کرم استفاده شده است. دارای تاجی کشیده و نوک تیز، موهای بلند در دو طرف سر، صورتی گرد و ماه مانند، ابروانی کمانی، چشمان بادامی، لب و بینی ظریف می‌باشد. در محل اتصال گردن به تنه، یقه ای پهن با خطوط عمودی و نزدیک به هم دیده می‌شود. نکته جالب توجه در این تندیس شیوه آرایش پرها است که هنرمند برای ترسیم آن از نقوش گیاهی در هم پیچیده و ظریف، به رنگ سیاه و آبی که سراسر بدن را با زیبایی هرچه تمام‌تر پوشانده و جلوه و شکوه خاصی به آن داده، استفاده کرده است. او بال‌های خود را بسته و نگاهی رو به بالا دارد و برای مشخص شدن بال‌های جلو، سینه برجسته در نظر گرفته شده و زیر بال‌ها با رنگ سبز رنگ‌آمیزی شده است. هارپی بر روی پایه‌ای مستطیل شکل قرار گرفته و پاهای بلندی برای آن انتخاب شده است. انتخاب رنگ سبز برای بال‌های این هارپی شاید مرتبط با جایگاه این رنگ در قرآن و نزد عارفان باشد. قرآن کریم به این رنگ عنایت ویژه‌ای دارد. در آیاتی به سبزی گیاهان و روئیدنی‌های سطح زمین اشاره شده و این مسئله آیتی برای اهل ایمان دانسته شده است: «الْم تَرَّ أَنْ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتَصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (حج، ۶۳) «آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرستاد و زمین بر اثر آن سر سبز و خرم گردید همانا خداوند لطیف و آگاه است».

علاوه بر این رنگ سبز اثر شگفتی در آرامش روان انسان دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: سه چیز غم و اندوه را می‌زداید، نگرستن به آب، سبزه و روی نیکو.

رنگ سبز در فرهنگ قرآن کریم، رنگ بهشتی است. سبزی لباس‌ها و فرش‌های بهشتی از دیگر مواردی است که قرآن کریم ذکر می‌کند: «...» و یَلْبَسُونَ ثِيَابًا خَضْرَاءً مِنْ سُنْدُسٍ وَاسْتَبْرَقٍ [...]» (کَهِف، ۳۱): «و لباس‌های فاخر به رنگ سبز از حریر نازک و ضخیم در بر می‌کنند». «مُنْكِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خَضِرٍ وَ عَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ» (رحمن، ۷۶): «این در حالی است که بهشتیان بر تخت‌هایی تکیه زده‌اند که با بهترین و زیباترین پارچه‌های سبز پوشیده شده است».

بنابراین شاید بتوان چنین اظهار داشت که هنرمندی که این تندیس را ساخته به مفاهیم عرفانی و قرآنی و اهمیت این رنگ در اسلام آگاهی داشته و رنگ سبز را که نماد حیات، جاودانگی، ایمان و کمال است، برای تزئین بال به کار برده



تصویر ۱۲: مرکب دان، قرن ۶ هجری قمری / ۱۲ م، خراسان. (www.ebay.coj)

تندیس

علاوه بر ظروفی که بر روی آن‌ها تصویر هارپی وجود دارد، تعدادی تندیس و ظرف آب خوری نیز به شکل هارپی از دوره اسلامی به دست آمده است. از نمونه‌های آن می‌توان به ظرف آب‌خوری به شکل هارپی در قرن (ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی) که احتمالاً در کاشان ساخته شده، اشاره نمود (تصویر ۱۳). برای رنگ‌آمیزی این ظرف از دو رنگ سیاه و آبی استفاده شده است. هارپی کلاه یا تاجی گرد بر سر دارد که قسمت لبه آن با مروارید تزئین شده و موهای بلند آن تا روی شانه کشیده شده است. آرایش چهره مانند شیوه مرسوم انجام گرفته است: صورتی گرد، ابروانی پیوسته و کمانی، چشمانی ریز، لب و بینی ظریف. هارپی مزبور بال‌های خود را بسته و به سمت پایین نگاه می‌کند و در چهره او نوعی تفکر و آرامش دیده می‌شود. با توجه به این که هارپی، همانند تصویر ۴، با رنگ آبی رنگ‌آمیزی شده و نگاهی سرشار از تفکر و تعمق دارد، شاید بتوانیم برای آن همان تعبیر عرفانی - روح سالکی که به پاکی و خلوص رسیده را قائل شویم. بنابراین آبی که در آن ریخته می‌شود دارای این پاکی و خلوص ناب می‌شود و نوشیدن آب از این ظرف، سلامت، خوشبختی، پاکی و برکت را برای صاحب آن به دنبال دارد.



تصویر ۱۳: ظرف آب‌خوری به شکل هارپی، قرن ۶ هجری قمری / ۱۲ م، احتمالاً کاشان، موزه بروکلین. (www.brooklynmuseum.org)



تصویر ۱۴: تندیس هاربی، اوایل قرن ۶ ق.م / ۱۲ م، کاشان (www.bonhams.com)

است تا با آن پر بکشد و روح خود را به بهشت و سرزمینی روحانی و مقدس برساند. علاوه بر آن همان‌طور که به دلیل تقدس این رنگ، هنرمندان لباس پیامبران، امامان و قدیسان را با رنگ سبز نشان می‌دادند، این احتمال هم وجود دارد که هارپی مزبور پرنده‌ای مقدس - مانند هدهد - باشد که بال‌های سبز برای آن در نظر گرفته شده است، زیرا هدهد در سفر روحانی انسان راهنمای اوست تا وادی‌های عرفان را طی کند و به جایگاه اصلی خود برسد.

جدول ۱. گروه بندی هارپی بر اساس محل قرارگیری و مفاهیم نمادین

گروه	ویژگی فضای حاکم بر تصویر	نوع اثر	محل نگهداری	تاریخ	تصویر
درخت زندگی	دو هارپی پشت به پشت در دو طرف درخت زندگی، ترکیب بندی متقارن، فضای غیر مادی	کاسه سرامیک	موزه هنرهای اسلامی قاهره	ششم / دوازدهم	
درخت زندگی	دو هارپی روبروی هم در حال پرواز در بالای درختی انتزاعی، متقارن، داشتن بال سوم، نشان دادن فضای مولرایی	کاسه سفال لعابدار	موزه هنر هاروارد	ششم / دوازدهم	
درخت زندگی	انسان نشسته در حال عبادت بر بالای درخت، یک جفت هارپی، شیر و مار در دو طرف درخت، متعادل و متقارن	کوزه سفالی تخم مرغی شکل	موزه ملی دمشق	ششم / دوازدهم	
پوشش گیاهی	هارپی در زمینه گیاهی انتزاعی، داشتن بال سوم، هاله دور سر، تداعی کننده انسان کامل	کاشی هشت پر کاخ قبادآباد	موزه مدرسه کاراتای	هفتم / سیزدهم	
نقش مرکزی	هارپی آبی رنگ در زمینه ی طلایی، نگاه رو به بالا همراه با تفکر، فضایی سرشار از نور، معنویت و آرامش	کاسه سفال زرین	گالری هنر آرتور ساکلر نیویورک	ششم / دوازدهم	
تندیس	هارپی به عنوان ظرف آب خوری، به کاربردن رنگ آبی، نگاه متفکرانه رو به پایین، روح سالکی به پاکی و خلوص رسیده	جام یا ظرف آب خوری	موزه بروکلین	ششم / دوازدهم	

ادامه جدول ۱. گروه بندی هارپی بر اساس محل قرارگیری و مفاهیم نمادین

گروه	ویژگی فضای حاکم بر تصویر	نوع اثر	محل نگهداری	تاریخ	تصویر
تندیس	هارپی، استفاده از رنگ سبز برای بال ها نماد حیات، تقدس، ایمان، جاودانگی، نشان دادن پرندگی ای مقدس (شاید هدهد)	تندیس	--	ششم / دوازدهم	
نقوش انسانی	شاه و ندیمان در حال گفت و گو، دو جفت هارپی در بالا و پایین ظرف و دوطرف درختی انتزاعی شاید نماد عروج پادشاه به بهشت باشند.	کاسه مینایی	موزه ویکتوریا و آلبرت لندن	ششم / دوازدهم	
نجوم	برج جوزا در دوطرف عصا یا چوبدستی، نمادی برای نشان دادن سیاره عطارد ارباب یا صاحب برج جوزا	بخشی از کاسه برنزی	موزه ویکتوریا و آلبرت لندن	ششم / دوازدهم	
نجوم	برج جوزا به شکل هارپی درون مدالیون	بخشی از دیگ برنزی	موزه بریتانیا	ششم / دوازدهم	
نجوم	هارپی در وسط مدالیون بر روی مرکب دان، نمادی برای عطارد سیاره ی کاتبان و یا جوزا از آن جهت که صاحب طالع جوزا دوستدار دانش و علم های آسمانی است.	بخشی از دوات دان	--	ششم / دوازدهم	

◆ نتیجه گیری

نمادی برای آن‌ها در نظر گرفت که هنرمند برای درک بهتر مفاهیم و آموزه‌های مرتبط با این پرندگان مقدس، آن‌ها را به این شکل ترسیم کرده است. در برخی از آثار، این نقوش به همراه شاهان بر روی ظروف و یا دیوار کاخ به کار برده می‌شد که می‌تواند اشاره‌ای به منزلت سلطنتی و روحانی و جایگاه آن داشته باشد. علاوه بر مفاهیم عرفانی، گسترش علم نجوم در قرون پنجم تا هشتم هجری قمری را می‌توان عاملی دیگر برای ظهور هارپی بر روی آثار فلزی و سفالی در نظر گرفت. این بار هارپی با ویژگی‌های سیاره عطارد و خانه آن برج جوزا ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت هارپی‌ها تحت تأثیر مفاهیم عرفانی و پیشرفت‌های علم نجوم در هنر اسلامی قرون پنجم تا هشتم هجری قمری شکل گرفته و به وفور به کار برده شدند و همواره با مفاهیم خوشبختی، سعادت، برکت و عزت همراه بوده‌اند.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان چنین اظهار داشت که هارپی در دوران اسلامی موجودی نیک و خوش یمن و موضوعی رایج و مقبول به شمار می‌رفته است. گسترش عرفان و کتب رساله الطیر و کاربرد نمادین از پرندگی به عنوان نفس و روح انسان یا سالکی که قصد رهایی از زندان تن و رسیدن به جایگاه ملکوتی خود را دارد، باعث شد تا بر روی بسیاری از وسایل و ظروف سفالی و فلزی از این نقش استفاده شود. در بیشتر موارد هارپی در فضایی پوشیده از نقوش گیاهی، تجریدی و اسلیمی تصویر شده است که این خود می‌تواند نشان‌دهنده محیطی غیرمادی و مقدس باشد؛ همچنین با توجه به وجود پرندگان مقدسی چون سیمرغ (تصویر هویت انسان مرغ و رمز طیران آدمیت) و هدهد (راهنمای روحانی سالک)، می‌توان هارپی را

۲. انصاری، شهره، با شاه باز روح از خانقاه تا صومعه، فصل نامه سخن عشق، شماره سی و سوم و سی و چهارم، بهار و تابستان، ۱۳۸۶.
۳. انصاری، مجتبی، ارزش‌های باغ‌های ایرانی (صنوی اصفهان)، پایان نامه برای دریافت درجه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه معماری، ۱۳۷۸.
۴. پوپ، آرتور آپهام؛ اکرم، فیلیس، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، پرهام، سیروس، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
۵. پورنامداریان، تقی، داستان پیامبران در کلیات شمس، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.
۶. خلیلی، ناصر، گروه، ارنست، سفال اسلامی، حایری، فرزاد، نشر کارنگ، تهران، ۱۳۸۴.
۷. دوبوکور، موبینک، رمزهای زنده جان، ستاری، جلال، انتشارات مرکز، تهران، ۱۳۷۳.
۸. شایگان، داریوش، کرین، هانری، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه: باقر پرهام، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۱.
۹. شوالیه، ژان، گبران، آن، فرهنگ نمادها، ترجمه: فضایی، سودابه، انتشارات جیحون، تهران، ۱۳۷۸.
۱۰. نصر، سید حسین، هنر و معنویت اسلامی، قاسمیان، رحیم، انتشارات سوره، تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. ورجاوند، پرویز، کاوش رصدخانه مراغه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.

- 12-W. Allan, James, (1982), Islamic metal work, the Nuhad Es- Said collection, publishers Limited Russell chambers, Convent Garden, London.
- 13-www.harvardartmuseums.org
- 14-www.discoverislamicart.org
- 15-www.qantara-med.org
- 16-www.asia.si.edu
- 17-www.brooklynmuseum.org
- 18-www.bonhams.com
- 19-www.collections.vam.ac.uk
- 20-www.britishmuseum.org
- 21-www.robinsonlibrary.com
- 22-www.ebay.com

- 1.Harpy
- ۲.منطقه البروج منطقه دایره شکلی از آسمان که شامل ۱۲ صورت فلکی (۱۲ برج) است. این منطقه به ۱۲ بخش مساوی (هر بخش ۳۰ درجه) تقسیم شده که در هر بخش یکی از صور فلکی منطقه البروج که اصطلاحاً یک برج نامیده می‌شود قرار دارد. اسامی برج‌های ۱۲ گانه منطقه البروج عبارتند از: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت.
- ۳.برج جوزا یا دوپیکر یا توامان، سومین برج منطقه البروج و صورتی از نیمکره شمالی آن است. در احکام نجومی صاحب طالع جوزا پاکیزه، کریم، دوستدار دانش و علم‌های آسمانی با حافظه قوی و دارای سیاست نیز توصیف شده است. جوزا برج معلم، نقاشان، صیادان و خیاطان قلمداد شده است، کوه‌ها و قلعه‌های بلند و صحنه‌های بازی و نمایش و مجالس بزم و قصر شاهان از جاهای منسوب به برج جوزا است. (ورجاوند، ۱۳۶۶، ۴۴۳)
- ۴.عطارد یا تیر کوچکترین و نزدیکترین سیاره به خورشید در منظومه خورشیدی است. در احکام نجوم کوکب حکما و طبیبان، شعرا و اذکیا (هوشمندان) و دیوانیان و کاتبان، نقاشان، تجار، اهل بازار، دین، پاکی و ادب است به همین دلیل از عطارد در شعر فارسی با القابی چون اختردانش، کاتب گردون، دبیر انجم و کاتب علوی نام برده شده است. (مصفی، ۱۳۵۷، ۴۱۲)
- ۵.خانه در کتاب‌های نجومی به معنی برج و خانه‌های سیارات در منطقه البروج است و دوازده برج یا منزل است که بین هفت سیاره طبق نجوم تقسیم شده است. (مصفی، ۱۳۵۷، ۲۵۶) در این تقسیم بندی خانه شمس: برج اسد، خانه قمر: برج سرطان، خانه زحل: برج جدی و دلو، خانه مشتری: برج قوس و حوت، خانه مریخ: برج حمل و عقرب، خانه زهره: برج ثور و میزان و خانه عطارد: برج جوزا و سنبله می‌باشد.
- 6.Hermes
- 7.Mercury

◆ فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه قمشه ای، مهدی، موسسه الهادی، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم، ۱۳۸۴.